

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر
۱۲.۳۱.۰۸

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان جلد دوم

به ادامه گذشته

" محترم مولوی قلم الدین صاحب معیین امر بالمعروف و النهی عن المنکر اسلام علیکم و رحمت الله و برکات !
و بعد : کسانی بنام امر بالمعروف در شهر کابل به منازل داخل شده تلویزیون ها را با خود می برند و یا می شکنند .
همچنان کتابهایی را که دارای عکسها میباشند تفتیش میکنند . داخل شدن به منازل جدا ممنوع است و از تفتیش کتاب ها
هم باید پرهیز شود ، چراکه کتاب هایی در میان آنها میباشند که از نظر فرهنگی و اجتماعی و تاریخی نایاب اند .
بنابراین ، به شما اطلاع داده شد تا طبق ان اجراءات کنید . در شورا نیز روی این موضوعات بحث خواهد شد .

محل امضای محمد بانی

گروه مذکور در دواير و دفاتر دولتی به جای میز و چوکی ، قالین و دوشک فرش نموده بالای آن می نشستند و اجراءات
میکردند . مراجعین به دواير حکومتی قبل از آنکه به مشکلش توجه شود، باید اولتر از همه خودش را برای پاسخ دهی
در برابر پرسش های مذهبی امر اداره آماده میکرد . از بودجه دقیق رسمی وزارتخانه ها ، معاشات منظم کارمندان و
مصارف سنجش شده و حساب گرانه خبری نبود ، آنچه بود همان دستار و شلوار و نصور و فزونی ریش های انبوه و
توفان تعصب مذهبی و زبانی توام با چکا چاک تفنگ و مسلسل و گرفتن و بستن و کشتن بود و بس . وقتی از ملا قلم
الدین وزیر " امر بالمعروف و . . . " پرسیده شد که شما هزاران زن کارمند را بیکار نموده به خانه نشانیدید و برای
کارمندان مرد هم معاش نمی پردازید ، آیا فکر کرده اید که این مردم چطور به رفع نیاز های زندگی شان خواهند
پرداخت ؟ چنین اظهار داشت که " خدا بدون کار و معاش هم روزی میدهد . "

این ملا قلم الدین که در رأس چنان اداره ای رعب آور قرار داشت ، شخص شدیداً سختگیر ، عمیقاً جاهل ، تا مغز
استخوان متعصب و از خود راضی بود . از مردم اطاعت صد در صد و کورکورانه می خواست ، همانطور که از
افراد زیر دستش فرمانبرداری و اجراءات جدی و بی چون و چرا می طلبید . افراد تفنگ به دوش و چماق به دست
طالبان که سوار بر موتر های پک اپ جاپانی به هر سو سر می زدند ، همیشه موجب آزار ، تحقیر و تنبیه زنان و
جوانان میشدند . اینان ، تعصب کور مغزانه را تا بدانجا رسا نیندند که اگر مثلاً زن یا دوشیزه ای از یک کوچه و محل،

آنهم با محرم شرعی عبور میکرد ، ولی اندک بند پایش نمایان میشد ، بر خلاف عنعنه و اخلاق دیرینه مردم افغانستان ، علاوه از آنکه در محضر عام با کیبل فلزی به پا های موصوفه حواله میکردند ، محرم شرعی او را نیز با همان کیبل می کوبیدند و اگر در همچو مواقع ، مثلا انگشت یک زن با رنگ ناخن یا حنای سنتی و معمولی دیده میشد ، انگشت او را به نحو بیرحمانه و نا جوانمردانه ای می بریدند .

در همین جا تذکر این نکته جالب خواهد بود که در میان این مهاجمان متعصب تفنگ به دوش ، یکتعداد پسر بچه های کم سن و سال و بدون ریش و عمامه نیز دیده میشدند که غالبا دستان شان مزین با حنا و چشمان شان آلوده با سرمه بود . یکی از خبرنگاران غربی در روز های اول اشغال کابل از یکی از پسر بچه های آنچنانی ، دلیل سرمه در چشم و حنا در دست وی را پرسید و طالب بچه هم جواب داد که " مولوی صاحب ویلی ده چی داسی شیان ثواب لری " (مولوی صاحب گفته که این چیز ها ثواب دارد .) این کار های " ثواب " و پیروی از دستورات مولوی های طالبان آنقدر اوج گرفت و آنقدر به رسوایی انجامید که بالاخره ملا عمر مجبور گردید چنین فرمانی را صادر نماید :

" بسم الله الرحمن الرحيم . توصیه و هدایات شرعی و ضروری امیر المومنین ملامحمد عمر(مجاهد) در باره خارج نمودن برهنه رویان از دلگی ها و محاذات:

به مسؤولین محترم و تمام طلبا ! السلام علیکم و رحمت الله وبرکاته . وبعد : گرچه چندین بار برای شما گفته شده است که در دلگی ها و محاذات با طلبا ، برهنه روی ها نباشد ، مگر تاکنون این سخن کاملا عملی نگردیده است ، باز هم برهنه روی ها با شما دیده میشوند ، اکنون باز هم به هر مسؤول و هر طالب امر من است که به همراهی هر کسیکه برهنه روی باشد باید آنرا جواب نماید و در آینده دو باره به گفتن ضرورت پیدا نشود ، اگر باز هم اطاعت صورت نگیرد مجبورا به مجرم جزا لازم داده خواهد شد . ولسلام

خادم اسلام

امیر المومنین ملا محمد عمر (مجاهد)

اگر نو جوانی را می دیدند که ریش درازی نداشته و موی سرش کوتاه نیست ، مویش را به زور قیچی زده و خودش را تا زمانی در حبس نگه میداشتند تا صاحب ریش انبوهی شود . گروه طالبان که جاهلانه تصور میکردند گویا از سوی خدا برای اصلاح بند گان گمراه خدا مؤظف شده اند ، از زاویه دید آنها همه گنهکار ، خدا شناس و آلوده با " فسق و پساد " (فسق و فساد) اند .

اینان سختگیری بر مردم را چنان گسترش دادند که حتا جوانان و نوجوانان را که نه دیگر مکتب و معارف برای شان باقیمانده بود و نه کار و سر گرمی لازم ، از (گدی پران بازی) هم مانع شدند ، در حالیکه این بازی معمولی و عنعنوی بوده که از سالهای دراز در کشور رواج دارد و هیچ زشتی و زیان اخلاقی و اجتماعی هم در آن نهفته نیست . همچنان ، بازی شطرنج و فتنال را نیز ممنوع اعلام نمودند . تفتیش منازل مردم ، ترویج خبر چینی و جاسوسی میان زنان و کودکان (۱) مخالفت با تدویر محافل خوشی و عروسی مردم ، اهانت به اقوام ، زبانها و ملیت های غیر پشتون ، تحمیل حاکمیت سیاسی - اقتصادی و حتا فرهنگی پاکستانی ها در افغانستان ، تلاش در راه ترویج زبان اردو و سر لوحه های مغازه ها ، جاگزین سازی روپیه پاکستانی به جای واحد پولی افغانی و حتا تمديد خط تلفون با کود داخلی کویته پاکستان (۲۰۸۱) در قندهار ، هلمند ، زابل و تلاش در راه پیاده کردن افکار مذهبی و عقب گرایانه ملا های دیوبندی پاکستان و و هابیت عربستان سعودی از برنامه های شباروزی طالبان در کشور بود . طالبان ، علاوه از تشکیل یک

(۱) ترویج جاسوسی و خبر چینی یکی از شیوه های معمول در دوران رژیم کودتای ثور نیز بود .

"شورای مرکزی" سی نفری در قندهار، یک "شورای سرپرست" شش عضوی دیگر را نیز در کابل ایجاد کردند که در رأس آن (ملا ربانی) قرار داشت و اسامی اعضای آن عبارت بود از:

ملا امیر خان متقی وزیر اطلاعات و فرهنگ

ملا محمد غوث وزیر امور خارجه

ملا سید غوث الدین ...

ملا فاضل احمد ...

ملا عبدالرزاق ...

همچنان، اشخاص آتی در امور سرنوشت اهالی کابل نقش داشتند:

ملا عبدالعزیز والی کابل

ملا عبدالسلام قوماندان عمومی قوای مرکز

ملا احسان الله رییس بانک مرکزی

ملا "ماض الله" مسؤل امنیت شهر

ملا محمد نعیم ...

ملا قلم الدین وزیر "امر بالمعروف و نهی عن المنکر"

(عکس ملا ربانی)

آنچه ماهیت طالبان را بیشتر از پیش بر ملا ساخت، این بود که به اساس پلان و پروژه ای از قبل تعیین شده، نام جمهوری افغانستان را به "امارت اسلامی افغانستان" مبدل نموده تاریخ هجری شمسی مروج را به تاریخ هجری قمری تغییر دادند. بیرق "امارت" خویش را به رنگ کاملاً سفید در آورده روی آن کلمه طیبه (لاالاه الا الله محمد رسول الله) درج کردند. نشان حکومتی شان، علاوه از خوشه گندم، دو شمشیر در دو طرف آن با نشان محراب و منبر در وسط که بر فراز آن (ریل) با قران و خورشید در حال طلوع بود.

(عکس بیرق و نشان حکومتی طالبان)

اصول شانزده فقره یی اداره "امر بالمعروف و نهی عن المنکر" طالبان که در شهر کابل پخش گردید:

۱- در مورد طرق رفع فتنه و بی حجابی زنان: هرزنی که با چادری ایرانی از منزل خارج شود، دریور ریکشا و موتر یا راننده هر واسط دیگر حق بالاکردن آنرا در موتر ندارد. در صورت تخلف راننده محبوس گردد. اگر زنی با چادری مذکور به صورت پیاده دیده شود منزل او نشانی شده به شوهرش جزا داده شود. اگر زنها با لباس های شهوت انگیز به صورت پیاده دیده شوند و محرم شرعی با ایشان نباشد از سوار نمودن آنها نیز در موتر جدا خود داری گردد.

۲- در مورد طرق محو سازی ساز و سرود: از طریق اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود که در دوکانها، هوتلها، موتر ها و ریگشا ها و غیره وسایط فیتنه های ساز و سرود ممنوع بوده در مدت پنج یوم از طرف هیات تفتیش کنترول صورت گیرد. اگر در دوکان فیتنه فروشی فیتنه ساز پیدا شود دوکاندار محبوس و دوکان

- قفل گردد. در صورت ضمانت پنج نفر صرفاً دوکان باز و مجرم بعداً رها گردد. در صورتیکه فیتنه در موتر کشف شود، موتر با مالک آن توقیف و محبوس گردد. با ضمانت پنج نفر موتر رها و مجرم بعداً رها گردد.
- ۳- در مورد منع تراشیدن ریش و کوتاه کردن آن: از طریق اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود که بعد از مدت یکنیم ماه در هر جائیکه شخصی با ریش تراشیده و یا ریش کوتاه دیده شود گرفتار و تا آن مدت محبوس گردد که ریش او به صورت صحیح انبوه گردد.
- ۴- در مورد طرق محو سازی بی نمازی و ادای نماز جماعت در بازارها: از طریق وسایل اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود که نماز جماعت در زمان معینه در همه نواحی ادا گردد و وقت مذکور از طرف ریاست امر بالمعروف و نهی از منکر تعیین میگردد. از زمان معینه پانزده دقیقه قبل در پیشروی مسجد که امکانات گنجایش و آب آن فراهم بوده باشد ریسمان گرفته شود و عبور و مرور به کلی قطع گردیده و تمام مردم به رفتن به مسجد مجبور ساخته شود. در وقت معینه هیات تفتیش با استفاده از موتر بر تطبیق آن نظارت نماید. در صورتیکه در دوکانها شخص بالغ دیده شود فوراً محبوس گردیده بعداً به ضمانت پنج نفر رها گردد و در غیر آن مدت ده یوم محبوس بماند.
- ۵- در مورد طرق محو سازی کیبوتر بازی و بودن بازی: از طریق وسایل اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود اینکه تا مدت ده یوم این عمل خویش را ترک نمایند. بعد از سپری شدن مدت ده یوم هیات تفتیش به کنترل و تطبیق آن اقدام نماید. کیبوترها و بودن آنها را حلال نمایند.
- ۶- در مورد طرق از بین بردن مواد نشه آور و افراد مبتلا به آن: شخص نشه کننده گرفتار گردد و نیز معلومات گردد و مرکز اصلی آن کشف شود و دوکان آن قفل گردد. مواد مخدره تخریب و مالک آن با شخص نشه کننده هر دو محبوس گردیده و جزا داده شود.
- ۷- در مورد طرق محو سازی کاغذ پرانی: اولاً از طریق اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود و بعداً منکرات آن بیان گردد مثل شرط بندی، مرگ اطفال و محرومیت از تعلیم و تربیه. بعداً در شهر دوکان هائیکه کاغذ پران یا سامان مربوط آنرا داشته باشند ضبط کرده و از بین برده شود.
- ۸- در مورد طرق محو سازی بت پرستی: اولاً از طریق اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود که در موتر، دکان، اتاق، هتل و غیره جاها به صورت کلی عکسها و تصاویر محو گردد. بعداً هیأتی توظیف گردیده عکس هائیکه در محلات فوق موجود باشد پاره نمایند و برای موترها نمایندگی آنها خواسته شوند و مکلف ساخته شوند تا این اوامر تعمیل گردد و آن موتر هائیکه در آن بتها موجود باشد، هیأتی توظیف گردد، موتر توقیف و نمایندگان آنها مجازات گردند.
- ۹- در مورد محو سازی قمار: از طریق معلومات مراکز اصلی آن کشف گردد و عاملین آن محبوس گردند و به همکاری قومندانی امنیه یک ماه محبوس بوده باشند.
- ۱۰- در مورد طرق محو سازی موهای بیبتلی، انگلیسی و امریکایی: از طریق وسایل اطلاعات جمعی در مورد اصلاح آن ابلاغیه ای نشر گردد. بعداً افراد دارای موهای زیاده گرفتار و به مراجع امر بالمعروف و نهی از منکر برده شوند. در «جا سلمانیها» موجود باشند تا موهای چنین اشخاص را تراشیده و پول اجرت آنرا از اوشان اخذ دارند.»

۱۱- در مورد طرق پرداخت اخذ تاریخ (!؟) : تبدیلی پول کلان به پول میده و حواله قرض گرفتن تماما صرافان خواسته شود و برای شان اخبار گردد که این سه نوع خرید و فروش حرام بوده در صورت تخلف مجرم گرفتار و مدت مزید محبوس گردد.

۱۲- در مورد طرق جلوگیری از کالاشویی زنان جوان در صحرا و آبخوره ها: در هر مسجد ابلاغیه ها نصب گردد. از نصب ابلاغیه به بعد توسط هیأت تفتیش گردد. زنان مرتکب این اعمال با رعایت کامل آداب اسلامی از جایشان بلند گردد و منازل شان دریافت شده و به شوهران شان جزای شدید داده شود.

۱۳- در مورد طرق محو سازی دایره ، رقص و آواز خوانی در مراسم عروسی: از طریق اطلاعات جمعی به نشر سپرده شود که این سه منکرات باید منع گردد. در صورتیکه در منزل کسی چنین اعمال کشف گردد شخص کلان فامیل محبوس گردیده و جزا داده میشود.

۱۴- در مورد طرق محو سازی دهل زدن : ابتدا از طریق علمای کرام حرام بودن دهل زدن به مردم تبلیغ گردد و بعدا در صورت ارتکاب آن رای علما معتبر است .

۱۵- در مورد طرق محو سازی دوختن لباسهای زنانه توسط خیاط ها و گرفتن قد اندام زنان: در صورتیکه زنان در دوکان خیاط دیده شوند و یا کتلاک های خیاطی به ملاحظه برسد ، خیاط یا دوکاندار محبوس گردد.

۱۶- در مورد طرق محو سازی سحر و جادو و جادوگران : کتابهای آنها حریق گردد و خودشان تازمانیکه (از) این اعمال توبه کنند محبوس گردند.

— محل امضای ملا عنایت الله بلیغ

به اساس همین کوردلی ها و جهالت قرون وسطایی بود به مجردی که این تازه به دوران رسیده ها پا به داخل محوطه ارگ جمهوری گذاشتند، دو مجسمه از دو شیر را که در دوسمت درب ورودی قصر دلکشا موقعیت داشت و از سالیان دراز به عنوان بخشی از آثار گرانبهای داخل عمارت ارگ به حساب میرفت، به نام آنکه "بت" ها اند و از نظر شرعی " حرام " میباشند، با وسایل دست داشته شکستاندند . یکتعداد بیماران عقلی و عصبی را که در شفاخانه علی آباد کابل بستری بودند ، به بهانه اینکه بودجه دارالمجانین و داکتر لازم را در اختیار ندارند، بیرحمانه به قتل رسانیدند. منار معروف و باستانی (چکری) در جنوب شرق کابل را که تاریخ عمر یکهزار و ششصد ساله داشته و در اواسط سال ۱۹۷۰ میلادی کار ترمیم و حراست از آن آغاز یافته بود، در ماه اپریل ۱۹۹۸ م منفجر نمودند ، ولی چنین به خورد مردم دادند که گویا منار مذکور خود بخود فرو غلتیده است . (فوتوی منار چکری) تقریبا در هر هفته و ماه دست و پا و سرعه ای را در کابل و سایر شهر های تحت تصرف شان به اتهام دزدی و زنا و ... قطع میکردند . منحيث نمونه ، گزارش مورخ بیست و هفتم ماه فبروری (بی بی سی) را که از طریق آسیای میانه نشر شده است ، در اینجا درج میکنیم :

"هزاران نفر از مردم کابل در سندیوم ورزشی شهر گرد آمدند تا کنجکاوانه شاهد نحوه مجازات متهمان باشند. ناگهان یک وانت بزرگ وارد زمین فوتبال سندیوم شد. دو مرد به نام های حمید الله و حبیب الله را از آن پیاده کردند. آنها را در وسط زمین فوتبال نشاندهند . سه جراح که صورت هایشان کاملا پوشانده شده بود ، دست اندر کار بیهوش کردن یکی از آندو مرد شدند. چند متر آن طرف تر دو زن یک زن نقاب پوش را از اتومبیل پیاده کردند و به وسط زمین فوتبال آوردند. آندو زن نیز نقاب بر چهره داشتند . از سهیلا زنی که به زنا کاری متهم شده بود خواسته شد بایستد . یک سرباز طالبان یک صد ضربه شلاق به او زد . . . یک ملای طالبان اعلام کرد اگر آن زن شوهر داشت بجرم زنا محسنه سنگسار می شد. در آنطرف متهم اول را بیهوش کردند و جراحان دست او را از مچ قطع کردند. یک سر باز طالبان دست بریده

مرد را به جماعتی که دور تا دور سندیوم نشسته بودند نشان داد و فریاد می زد هر کس در مملکت مرتکب دزدی شود به این سر نوشت دچار خواهد شد . آنگاه مرد بیهوش شده را در وانت انداختند و دور تا دور سندیوم گردانند تا همه مردم او را تماشا کنند . عین این صحنه برای مرد دوم هم تکرار شد . طالبان در یک اعلامیه یاد آور شدند آندو مرد اجناسی به قیمت ششصد دالر از مغازه ای در کابل دزدیده بودند و به همین جرم در داد گاه ویژه ای محکوم شدند که دست راست شان از مچ قطع گردد . "

(فوتوی دست بریده در غازی سندیوم و فوتوی جوانیکه یک دست و یک پایش قطع شده)

قرار گزارش حقوق بشر، یک مادر بی بضاعت دختر مریض خود را که به درد شدید معده مبتلا بود، با حسرت و اندوه نظارت میکرد و به خاطر نداشتن چادری شرعی طالبان نتوانست او را به شفاخانه انتقال دهد . پس از مرگ دختر، گروه حقوق بشر گزارش تکان دهنده ای تحت عنوان " جنگ طالبان با زنان " انتشار داد .

مجله معروف " پاری ماچ " گزارشی را در شماره تاریخی هفدهم ماه اکتوبر ۱۹۹۶ میلادی خویش به این گونه به نشر رسانید : " . . . وقتی طالبان با بیرقهای سفید کابل را تسخیر کردند ، کابلی ها در فکر استقبال توقف جنگ و ختم خونریزی ها بودند . ولی به زودی درک کردند که تطبیق پرتشدد و خشونت با قوانین بنیادگرایی اسلام زیر نام شریعت با وجود خاموشی ظاهری سلاح جنگی ، کدام زندگی آرام و آبرومندی با خود همراه نداشت ، زیرا گروه پرکنجکاو مذهبی طالبان به سرعت دست به تخریب بنیادی زدند و با دگرگونی های تکان دهنده و اعمال ترسناک و تعجب آور مانند پاره کردن کست های نوارموسیقی ، به دار آویختن ویدیو ها و تلویزیونها، خورد کردن بوتل های الکل با تانکهای جنگی و نا بودی و برهم زنی هر نوع مظاهر جهان غرب ، خاطره حملات وحشتناک و تاراج گروه (خمروژ - خمرهای سرخ) را بار دگر زنده ساختند . تا جائیکه حتی ملا های ایرانی از نوع اعمال شان منجر شده و آنها را به نام بنیادگرایان مرتجع یاد کردند . ولی بدترین اعمال فشار و ترور و عقبگرایی طالبان زیاد تر از همه در برابر زنهای مناطق تحت کنترل شان صورت گرفت . همچنان با تهدید تفنگ و ماشیندار حکم کردند تا همه مردان ریش بگذارند و کلاه و لنگی بپوشند . زنها از فعالیت و ظاهر شدن آزادانه در مجامع عمومی و محل کار و مکاتب محروم شدند و به پوشیدن برقع یا چادری سر تا پا محکوم گردیدند . حتی نرس ها و داکتران اناث خانه نشین شدند و در مناطق تحت کنترل طالبان مکاتب دختران دیگر هرگز باز نخواهد شد . بعضی زنهای کابل با وجود پوشیدن چادری ، به خاطر نمایان شدن قسمت کوچکی از بدن شان مورد حمله و لت و کوب قرار گرفتند . نظارت شدید بر مردم عوام اکثر توسط جوانان طالب صورت می گیرد که زبان شان با زبان مردم محل فرق دارد و قابل فهم نمی باشد . در اینجا باید تذکر داد که قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) هرگز به محرومیت و ناپدید شدن زنها از فعالیت های اجتماع حکم نکرده است . طالبان در عقب پنجره های باغ وحش حیوانات باعث آزار و زجر چند حیوانی که هنوز با حال خراب زنده مانده اند، گردیده و آنها را به خاطر اعمال وقیافه (به زعم طالبان) ناپسند شان با میله کلاشنکوف تهدید می کنند و نگهبان باغ را به ستوه می آورند . شریفه یک زن افغان که آینده زندگی خود را زیر سلطه طالبان خراب و تباہ و بر باد رفته می بینند . آهسته به خیر نگار میگوید : " این حیوانات باغ وحش فعلا به ما شباهت دارند ، به ما زنانی که از زندگی آزاد اجتماع محروم گردیده و مورد تهدید و اذیت و دشنام قرار میگیریم ! ولی این حیوانات باز هم از ما بهتر هستند زیرا آزادانه قدم می زنند و به مردم آزادانه نگاه می کنند . در حالیکه ما زنهای افغان در قفس های خود محکوم به کوری و نا بینایی در برابر جهان آزاد هستیم ! . . . ما باید با ترس و واهمه زیر پوشش همین چادری ها از کنار دیوارها عبور کنیم و هیچ نوع جلوه و تظاهر آزادانه نداشته باشیم . ترس دارم از اینکه شما نیز (خطاب به خبرنگار فرانسوی) ما را فراموش کنید و شکایت ما را به گوش جهان نرسانید . در همین همسایگی ما یکدسته طالبان زنی را به

خاطر برهنه بودن پشت پایش از زیر چادری ، باضربه چوب لت و کوب کردند . این زن شوربخت بیوه در مانده ای بود که در جستجوی غذا برای سه طفل یتیم خود ، از خانه پا به بیرون گذاشته بود . . . "

(عکس یک دیوانه ی طالبی با سلاح دست داشته و قیافه ی وحشتناک وی)

از جمله ای گزارشاتی که از کابل به بیرون میرسید ، رویداد ها و اجراءات جاهلانه و زجر دهنده ی طالبان علیه اهالی شهر کابل را حکایت میکردند. یکی از آن گزارشات در شماره ی (۴۷) ماه قوس سال ۱۹۹۷ میلادی مجله ی (پیام زن) این چنین به چاپ رسید : " نوجوانی در قلعه فتح الله خان به جرم دیدن فلم ویدیویی زیر شکنجه طالبان جان باخت . وی که گنگه بود و ضمنا تکلیف قلبی داشت همراه با برادر و شش تن از دوستانش در اوایل ماه سرطان به جرم دیدن فلم ویدیویی توسط طالبان دستگیر و زندانی شد . او زمانی زیر شکنجه جان سپرد که برادرش از تکلیف قلبی وی به طالبان هشدار داده و داوطلبانه میخواست خود هرگونه جزا را بپذیرد. طالبان بعد از ارتکاب این جنایت ، جسد او را به سرد خانه شفاخانه وزیر اکبرخان انتقال داده و به فامیلش اطلاع می دهند تا از مریض خود عیادت کنند. اما فامیل تیره بخت فرزند شان را که آثار شدید شکنجه در بدنش مشاهده می شد ، مرده می یابند. برادر نوجوان از زندان آزاد می گردد ولی از شش تن دیگر هیچ خبری در دست نیست . . . "

گزارشات منابع مختلف و از جمله ، رادیو بی بی سی لندن در ماه می ۱۹۹۸ میلادی اطلاع داد که افراد "امربالمعروف و نهی عن المنکر" طالبان ظرف صرفا دو روز ، حدود پنجمصد تن را در شهر کابل به جرم کوتاه بودن ریش هایشان شلاق زدند. ده نفر تکسی ران را به جرم انتقال دادن زنان بدون " محرم" به انواع مختلف مجازات کردند و به تعداد بیشتر از یکصد زن را به جرم " نقض حجاب " تحقیر ، توهین و با شلاق سر زنش نمودند .

گروه طالبان از آنجا که میخواستند در تمام شؤون حیات فردی ، اجتماعی ، دینی ، اقتصادی ، فرهنگی و کلتوری مردم افغانستان دخالت نمایند ، به همان اساس مصمم بودند سیستم معارف و معیار های تعلیمی و تحصیلی کشور را نیز مطابق میل خود شان تغییر دهند. اینک ، کا پی اصل مکتوبی را در اینجا درج میکنیم که از طرف وزارت تحصیلات عالی امارت اسلامی طالبان گویا غرض رهنمایی مهم برای محصلین صادر گردیده است : " (. . . درج مکتوب)

ادامه دارد